

اصفهنمزرو

تأمل در طول واژه‌هایی که سراغ زندگی را می‌گیرند

مجموعه شعر گاهی یادم می‌رود برای تو غزل بنویسم



تا میادا میوه ممنوعه را بچینم،

تا سر عنصر مرمر و پنهان جاودانگی همچنان نامکشوف

انسان بماند

و تقدیر متغوس انسان تا ابد

آوارگی با چندانای از زمهریر تنهایی باشد

برخی از صاحب‌ظنران معتقدند که امروز شعر اجتماعی ایران چندان سری با فرهاد و تیشه و بیستون و اسطوره و اساطیر ندارد و بسیاری نیز می‌گوشتند میثانی با شعر اسطوره‌های دنیال شعری که زندگی است، هستند . اما، شاعر کتاب گاهی یادم- که بیشتر درون را تماشاگر باشد تا بیرون را، هر چند با دخیل به اساطیر و اسطوره‌ها، این فاصله را پر کند:

پای اسب وحشام می‌اغزد

هم خون با عفریتی می‌شوم

و با ورودی به چاه می‌افتم

دست‌هایم سنگ می‌شود

تمام روایت‌های عاشقانه

در آوازهای تُرد تردیهادیت به طلسمی ختم می‌شوند و سنگستانی می‌شده‌دم).

برخی معتقدند که امروز شعر اجتماعی ایران چندان اعتنایی به شعر اسطوره غنایی و گاهی بزمی ندارد، هر چند شاعرانی چون فروغ فرخزاد، امید و آتش، و... از اسطوره‌ها [داندانه] ای ساخته و برای جامعه به میراث گذاشته‌اند. حسین اکبری می‌گوید در کنار غنای شعر غنایی خود، ارتباطش با قطع نشود، هرچند این تلاش مستمر نیست:

صدايي پيچيد در صحرا،

سراسيمه دويدم كه اينك انسان!

رؤيايي بر شُر‌ها نبود، سرايي بود؟ يا سراپ،

پژواكي از پشت تاريخ فرسوده...؟ [شعر صد و سی و پنج].

شاعر به شعر – جامعه طلب – آشناست. بمخوبی می‌داند

که این نوع شعر، خاطراتی جامعه در قالب شاعرانه به یادگار می‌ماند . لئوپولد فون رانک معتقد است که اساطیر روایی جمعی مردم است و این که در اسطوره‌های ایرانی دغدغه

مرگ و هراس از نیستی، همواره مطرح است و ذهن چاره‌گر برای مقابله با آن راها ابداعنیده‌اند. است. در شعرهای این کتاب با تلاش شاعر به‌خوبی مواجهیم:

سکائم از چشم‌های شمالی ی تو می‌آموزند،

ناخداي بی‌قطبلمان بر پهنه اِبحای بی‌ساحل،

کائنات را با خود برداشته و تا در خانه تو می‌رانم،

بی تو کشتی من بر هیچ کوهی نمی‌نشیند و در دست باد جاودانه و سرگردانم [شعر پنجاه و دو]. گاهی نیز به خلوت عاشقانه خودسری می‌زند و به تلخی و با لحن تاریخ زده می‌سراید: غریبانه پیرمی شوم وقتی که نگاهت عصایی به دستم نمی‌دهد. شعر سپید در طول حیات ادبی خود، با اسطوره و اساطیر بیگانه نبوده و برای بسط اندیشه، موفق شده خود را از بند و قیدل‌وزان عروضی رها کرده و به هوفت درونی کلمات رونق دهد تا بتواند به وجوه پیچیده‌تری چون تاریخ و فلسفه، با خلق تصاویری بکر، توجه نشان دهد. حسین اکبری با دست‌یازی به – ایماژ گری – و زایش تصاویر خواستنی، دروازه جهان دیگری را به روی خواننده شعر خود می‌گشاید تا با کلمات رنگی دیگر به زندگی بپیخشد.

آن قدر دوست دارم که مسیح دوباره به دنیا بیاید

آن قدر دوست‌دارم که مسیح هزارباره در جلجتای نگاهت

مصلوب شود،

آن قدر دوست دارم که تمام گوساله‌های زمین سامری شوند

و نهنگ‌های عالم هزارباره برایندام!

دیوید دیچز اسکاتلندی در خصوص اهمیت و جایگاه تصویر

روزنامه فرهنگی، اجتماعی با روش خبری – تحلیلی – اطلاع رسانی

بنیانگذار: عبدالمحمد اکبری | تاسیس: ۱۳۸۳

صاحب امتیاز: شرکت رسانه رویداد پارسی

سرمدیر: سید مهدی رضوی

چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۵ | **سال بیست و دوم** | **دوره جدید** | **شماره ۵۵۰** | 070ct2026

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان دانشگاه
 ترسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید مصطفی روحانی
 (شماره ۱۹)، پلاک ۶، ساختمان رویداد پارسی
 تلفن: ۰۲۱-۳۶۲۹۳۷۵۰-۳۱ (۵۵ خط) فاکس: ۳۶۲۹۳۹۲-۳۱
 لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی

از جاذبه تا در آمد؛

نسخه گردشگری برای

شرق اصفهان



استاندار اصفهان گردشگری کوبر را فرصتی طلایی برای اشتغال‌زایی دانست و گفت: زنجیره کامل گردشگری برای رونق اقتصاد محلی در شرق اصفهان ایجاد شود.

مهدی جمالی‌نژاد در جریان سفر به شهرستان ناین و بازدید از مجموعه گردشگری در بخش انار، که ظرفیت‌های کوبری این منطقه را در راستای توسعه اقتصادی، افزایش مدت ماندگاری گردشگران و ایجاد اشتغال پایدار در جوامع محلی مورد ارزیابی قرار داد. استاندار اصفهان در حاشیه این بازدید، مناطق کوبری استان را سرمایه‌ای فراتر از یک جاذبه طبیعی صرف خواند و اظهار کرد گردشگری کوبر یکی از پیشران‌های اصلی توسعه اقتصادی در مناطق شرقی استان اصفهان است که می‌تواند معیشت جوامع محلی را مستقیماً تقویت کند. لانا نیازمند معرفی هدفمند و حرفه‌ای است. او با تأکید بر ایجاد زنجیره کامل گردشگری تصریح کرد: جاذبه‌های طبیعی نباید به تنهایی دیده شوند؛ بلکه باید با ظرفیت‌های تاریخی، معماری منحصر‌بفرد صنایع‌دستی، فرهنگ بومی و سبک زندگی مردم کوبر تلفیق شوند تا در این کاروان نه‌نی‌لیکی هست نه سردوی از خاک موروثی نیاکانم

و نه سوز حسرت انداختن پیراهن آشنایی در چاه

نه جنون نه جنونی

عشق در پیراهن خوئین گرگی مبهوت تغییر نمی‌کند
خاستگاه و بستر رشد شعر سپید، عمق مسائل اجتماعی است. شعر سپید با شکستن قواعد کلاسیک و جریان‌های بنیادین شعر معاصر زمینه خلق تصویر می‌شود.. شاعر این مجموعه کوشیده هر سطر و برگ دفتر خود را برشار نماد و سمبل تاریخی کند. نماد‌های طبیعت، تاریخ و و ادبیات شفاهی مردم ، شخصیت پیدا می‌کنند و کوه ، دشت ، فصول ، راه و جاده ها و ... ، بازیگر این صحنه اند:

تاتلی : از سر کوچه هر روز پیرمرد دوره گردی نام تو را

آواز می کند ،

نام تو هر روز مرا آغاز می کند ،

مرا بجیش تاتلی ،

گاهی یادم می رود که تو را آواز کنم ،

گاهی یادم می رود برالیت غزلی تازه بنویسم.

تکرار این اسم- تاتلی - و سمبل دست از سر ذهنیت شاعر

بر نمی دارد . تاتلی شده سنگ صبور و به وقت گریه ها ، سینه ای ایمن و شانه ی امان و سمبل اجتماعی و در بر دارنده ی مفاهیمی در دنیای هستی انسان. تاتلی کلمه ای است ترکی، که در زبان روزمره معنی – شیرین – می دهد

که اگر آن را به دویختن – تات – و ی – در تفسیر کرد

معنای دیگری به دست می آید که به نظر می رسد مقصود نشستن گریز شاعر این باشد . واقعیت این است که تاتلی نامی اثری است. ساکن در همه ابعاد هستی.

ساکن و بی جنبش و شاعر کولی وار در سیر و چرخش

به گرد او :

تو از حفظ می دانستم تاتلی

چون کتلی مقدس که جادوی نهان بر زبانم می راند

سطر به سطر ، خطا به خطا

حسین اکبری با این مجموعه برای ادامه ، هم ، راه خود را هموار ساخت و هم باید برای رشد و تکامل تدریجی ، نفس تازه کند و هر گز از مطالعه و نوشتن باز نایستد که توقف مرگ است. و کاش شاعر بیشتر سراغ شعر ترکی می رفت و شواهد متعددی می آورد. کلیت شعرهای این مجموعه به گونه ای حدیث نفس است شاعر می‌گوید با نگاه بیرونی به شعر خود رویکرد اجتماعی بدهد . اما با این تفاسیل در اشعار این کتاب خبری از سویه های اجتماعی و حتا سیاسی نیست و این وضعیت، دستکم در این زمانه و در کانتکست شعر مدرن مطلوبیت ندارد[هادی حسینی‌نژاد]. باید در گزینش شعر خود، بی رحم باشد و چون دشمنی قهار به قلع و قمع شعر خود بپردازد. در این دفتر شعرهایی وجود دارد که صلابت باقی شعرها را ندارند و تعادل دفتر را بر هم ریخته است. تعصب و پافشاری فرصت زایش برای شعر زیبا را از شاعر می‌گیرد. امید در دفتری بعدی، در شعرش با واژه‌ها و تصویرهای بالغ و زیبا مواجه شویم

و شاعر این بار، زحمت کوچه و خیابان گردی را به خود بدهد و بیش و بیشتر با آدم‌های سواره خود آشنا شود و

اساطیر خود را در همین کوچه‌ها بیابد زیرا توانسته ثابت کند که می‌تواند با کلماتش پرواز کند.



مهرماه ۱۴۰۵ در شهر هائوئی ویتنام با حضور بیش از ۶۶ کشور

و بیش از ۳۲۰ دانش‌آموز از سراسر جهان برگزار شد و تیم ملی

ایران با کسب پنج نشان طلا، برای سومین سال پیاپی قهرمان

جهان شد.محمدحسین حسینی در کنار چهار عضو دیگر تیم ملی ایران، با عملکردی درخشان موفق به کسب نشان طلا شد و نام فریدن و استان اصفهان را در یکی از معتبرترین رقابت‌های علمی دانش‌آموزی جهان مطرح کرد.

امتیاز در تهیه‌ندی روزنامه‌های سراسر کشور
 ضریب کیفی: ۸۴/۷ رتبهٔ جهانی: ۱

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای در لینک -»جریان»
 ما -»سایت اصفهان امروز منتشر شده‌است.
 www.esfahanemrooz.ir

www.roydadiran.com
 www.esfahanemrooz.ir
 عضو تعاونی مطبوعات، انجمن مدیران رسانه
 @esfahanemrooz
 esfahanemrooz
 esfahanemrooz
 @esfahanemrouz

لباس‌هایی به رنگ هویت؛

روایت پوشش سنتی مردم ایبانه



برای گردشگری که برای نخستین بار وارد ایبانه می‌شود، پوشش مردم یکی از نخستین عناصر فرهنگی است که توجه او را جلب می‌کند. گردشگران در کنار تماشای خانه‌های تاریخی و قدقدزن در کوچه‌های روستا، با مردمی روبه‌رو می‌شوند که بخشی از پوشش سنتی خود را حفظ کرده‌اند. در سال‌های اخیر، همین ویژگی به یکی از عناصر مهم جذابیت گردشگری ایبانه تبدیل شده است. با این حال، حفظ پوشش سنتی زمانی ارزشمندتر خواهد بود که هر سال میزبان گردشگرانی از نقاط مختلف ایران و جهان است. اما در کنار معماری و طبیعت، آنچه بیش از هر چیز نگاه بسیاری از گردشگران را به خود جلب می‌کند پوشش متفاوت زنان و مردان ایبانه است؛ پوششی که همچنان در بخشی از زندگی روزمره مردم روستا دیده می‌شود و یکی از نمادهای شناخته‌شده فرهنگ این منطقه به شمار می‌رود. در ایبانه، لباس سنتی صرفاً یک پوشش برای حضور در برابر گردشگران نیست؛ برای بسیاری از اهالی، پوشش این لباس‌ها نمای بخشی از سبک زندگی و نشانه‌ای از تعلق به یک جامعه تاریخی است. رنگ، طرح و شکل لباس‌ها در کنار معماری خاص روستا، تصویری متفاوت از فرهنگ بومی ایران پیش چشم بازدیدکنندگان قرار می‌دهد.

برای حضور در برابر گردشگران نیست؛ برای بسیاری از اهالی،

پوشش این لباس‌ها نمای بخشی از سبک زندگی و نشانه‌ای از تعلق به یک جامعه تاریخی است. رنگ، طرح و شکل لباس‌ها در کنار معماری خاص روستا، تصویری متفاوت از فرهنگ بومی ایران پیش چشم بازدیدکنندگان قرار می‌دهد.

۴ رنگ‌هایی که روایت می‌کنند

پوشش زنان ایبانه بیش از هر چیز با رنگ‌های شاد و متنوع شناخته می‌شود. روسری‌های گلدار، پیراهن‌های بلند و رنگارنگ و شلوارهای سنتی، ترکیبی را شکل می‌دهند که در تضاد با رنگ خاکی و سرخ خانه‌های روستا، جلوه‌ای چشمگیر ایجاد می‌کند و روسری‌های بزرگ و رنگارنگ، یکی از شناخته‌شده‌ترین اجزای پوشش زنان ایبانه است. این روسری‌ها که معمولاً طرح‌های گلدار دارند، در کنار پیراهن‌های بلند و دامن‌مانند و شلوارهای سنتی، تصویری از پوشش زنان این منطقه در نسل‌های گذشته را بازتاب می‌دهند. این پوشش، فارغ از ارزش زیبایی‌شناختی، بخشی از حافظه فرهنگی ایبانه است؛ حافظه‌ای که از نسل به نسل دیگر منتقل شده و همچنان در برخی مراسم، مناسبت‌ها و زندگی روزمره قابل مشاهده است. در کنار زنان، پوشش مردان نیز بخشی از این هویت بومی را شکل می‌دهد. لباس مردان ایبانه اگرچه در گذر زمان دستخوش تغییر شده، اما در مناسبت‌های خاص و برخی مراسم، همچنان بخشی از هویت بومی است. در گذشته، پوشش سنتی مردم ایبانه، در کنار زنان، معماری، آیین‌ها، صنایع دستی و شیوه زندگی، مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی را شکل می‌دهد که هویت این روستای تاریخی را ساخته‌اند. شاید به همین دلیل است که قدیم‌زدن در کوچه‌های ایبانه تنها تماشاکی یک روستای تاریخی نیست؛ مواجهه با فرهنگی است که هنوز بخشی از آن در زندگی مردم جاری است. روسری‌های رنگارنگ زنان، لباس‌های سنتی و معماری سرخ‌رنگ روستا، در کنار یکدیگر تصویری ساخته‌اند که ایبانه را از بسیاری از روستاهای تاریخی ایران متمایز می‌کند.

حفظ این تصویر، اما بیش از آنکه به گردشگر وابسته باشد، به مردم خود ایبانه و میزبان ارتباط نسل‌های آینده است؛ چراکه کوچه‌های نیاکشان وابسته است. است. این پیوند حفظ پوشش لباس سنتی نیز همچنان می‌تواند نه یک جاذبه صرفاً گردشگری، بلکه نشانه‌ای زنده از هویت فرهنگی ایبانه باقی بماند.

۴ پوششی که با زندگی مردم گره خورده است

یکی از ویژگی‌های مهم پوشش سنتی ایبانه، ارتباط آن با سبک زندگی و شرایط اقلیمی منطقه است. ایبانه در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته و زندگی در چنین محیطی، در گذشته نیازمند پوششی متناسب با شرایط آب‌وهوایی بوده است. لباس‌های سنتی، علاوه بر جنبه فرهنگی، کارکردهای عملی نیز داشتند. نوع پوشش، اندازه لباس و استفاده از چند لایه پوشاک در فصل‌های سرد، با شرایط اقلیمی و سبک زندگی روستایی هماهنگ بوده است. اما امروز این پوشش به بخشی از هویت بومی تبدیل شده است؛ نمادی از هویت محلی تبدیل شده است؛ نمادی که بخشی از تاریخ اجتماعی مردم ایبانه را با خود حمل می‌کند.

۴ وقتی گردشگر با یک فرهنگ روبه‌رو می‌شود

یکی از ویژگی‌های مهم پوشش سنتی ایبانه، ارتباط آن با سبک زندگی و شرایط اقلیمی منطقه است. ایبانه در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته و زندگی در چنین محیطی، در گذشته نیازمند پوششی متناسب با شرایط آب‌وهوایی بوده است. لباس‌های سنتی، علاوه بر جنبه فرهنگی، کارکردهای عملی نیز داشتند. نوع پوشش، اندازه لباس و استفاده از چند لایه پوشاک در فصل‌های سرد، با شرایط اقلیمی و سبک زندگی روستایی هماهنگ بوده است. اما امروز این پوشش به بخشی از هویت بومی تبدیل شده است؛ نمادی از هویت محلی تبدیل شده است؛ نمادی که بخشی از تاریخ اجتماعی مردم ایبانه را با خود حمل می‌کند.

۴ پوششی که با زندگی مردم گره خورده است

یکی از ویژگی‌های مهم پوشش سنتی ایبانه، ارتباط آن با سبک زندگی و شرایط اقلیمی منطقه است. ایبانه در منطقه‌ای کوهستانی قرار گرفته و زندگی در چنین محیطی، در گذشته نیازمند پوششی متناسب با شرایط آب‌وهوایی بوده است. لباس‌های سنتی، علاوه بر جنبه فرهنگی، کارکردهای عملی نیز داشتند. نوع پوشش، اندازه لباس و استفاده از چند لایه پوشاک در فصل‌های سرد، با شرایط اقلیمی و سبک زندگی روستایی هماهنگ بوده است. اما امروز این پوشش به بخشی از هویت بومی تبدیل شده است؛ نمادی از هویت محلی تبدیل شده است؛ نمادی که بخشی از تاریخ اجتماعی مردم ایبانه را با خود حمل می‌کند.

علافچیان؛ عمارت صفوی در لباس بومگردی



می‌دهند. اتاق‌های اطراف حیاط نیز با تزئینات سنتی و معماری قاجاری طراحی شده‌اند و هر یک روایتگر بخشی از زندگی روزمره خانوادگی اصیل در آن دوران هستند.

۴ حیات دوباره؛ از عمارت اشرافی تا اقامتگاه بومگردی

خانه علافچیان پس از سال‌ها، با بازسازی‌ای دقیق، حیاتی دوباره یافته است. امروزه این عمارت به اقامتگاه بومگردی و هتل «خان‌نشین» تبدیل شده و میزبان گردشگران ایرانی و خارجی است. این مجموعه دارای ۱۰ اتاق اقامت، رستوران و کافی‌شاپ است که در فضایی اصیل و تاریخی به مهمانان خدمات ارائه می‌دهد. بازدید با اقامت در این مجموعه نیازمند هماهنگی قبلی است. این تغییر کاربری، نمونه‌ای موفق از احیای بناهای تاریخی است؛ جایی که گذشته و حال در هم می‌آمیزند و گردشگر می‌تواند در دل یک عمارت قاجاری شب را به صبح برساند و طعم زندگی اصیل ایرانی را از نزدیک تجربه کند.